

# فقه حکومتی و مسئولیت مدنی: تحلیلی بر چالش‌های نظام تقنینی مسئولیت مدنی ایران در تلفیق مبانی فقهی و ساختارهای حقوقی رومی ژرمنی

حسین هوشمند فیروزآبادی<sup>۱</sup> - احمد احسانی فر<sup>۲</sup>

## چکیده

نظام حقوقی ایران با تلفیق دو منبع متفاوت—فقه امامیه با محوریت «ضمان قهری» در قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی، و حقوق رومی ژرمنی با محوریت «تقصیر» در قانون مسئولیت مدنی- به ساختاری دوگانه و ناسازگار در حوزه مسئولیت مدنی دچار شده است. این دوگانگی، به ویژه در فقدان یک نظریه کلان حکومتی برای تنظیم روابط میان این دو مبنا، به تقنین پراکنده و ناهماهنگ انجامیده و زمینه ساز صدور آرای متعارض و متهافت در محاکم گردیده است.

این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی، به بررسی مبانی و ساختار مقررات مسئولیت مدنی در حقوق ایران و میزان تأثیرپذیری آن از فقه امامیه و حقوق غرب می پردازد و نشان می دهد که همزیستی قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹- که بر تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت تأکید دارد- با قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی- که جبران خسارت زیان دیده را بر پایه ادله ضمان محور قرار می دهند- از نظر نظری و عملی امکان پذیر نیست.

بر اساس یافته‌های پژوهش، برای رفع این تعارض ساختاری دو راهکار قابل تصور

---

۱. دکتری حقوق خصوصی و عضو هیات علمی گروه حقوق و فقه اجتماعی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

hooshmand@rihu.ac.it

۲. دکتری حقوق خصوصی و پژوهشگر مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه ahmadehsanifer1401@chmail.ir

است: نخست، پذیرش نسخ ضمنی قانون مسئولیت مدنی با توجه به تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲؛ و دوم، که راهکار مطلوب‌تر است، تدوین «قانون جامع مسئولیت مدنی» مبتنی بر الگوی فقه حکومتی. چنین قانونی باید ضمن حفظ اصالت فقهی، توان پاسخگویی به مسائل نوپدید اجتماعی و اقتصادی را داشته باشد. استمرار وضعیت موجود بدون اصلاح تقنینی، به تداوم تعارضات و تشدید نابسامانی در آرای قضایی و تضييع حقوق اصحاب دعوا خواهد انجامید.

**واژگان کلیدی:** فقه حکومتی، مسئولیت مدنی، ضمان قهری، تقصیر، انسجام حقوقی، تطور تقنینی

## ۱. مقدمه

یکی از ساحت‌های مهم زندگی مردم که در حقوق مورد توجه بوده و نسبت به آن قانونگذاری شده است، ساحت مربوط به زیان‌هایی است که از ناحیه دیگران بر آنها وارد می‌شود. مباحث مرتبط با این ساحت، مسئولیت مدنی و ضمان قهری نامگذاری شده‌اند و در حقوق سعی شده است برای حالات مختلف آن ضمانت اجرا قرار داده شود.

مسئولیت مدنی در اصطلاح حقوقی الزام به جبران زیانی است که از ناحیه فعل یا ترک فعل شخصی بر دیگری به صورت ناروا وارد شده باشد. (رک: کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۱۳) به دلیل ارتباط بحث مسئولیت مدنی و جبران خسارت با نظم اجتماعی و زندگی مردم، در نظام‌های حقوقی گوناگون بدان توجه ویژه شده است و با وجود اختلافاتی که در احکام و شیوه‌های آن میان نظام‌ها هست، بر اصل موضوع به عنوان یک ضرورت اجتماعی اتفاق نظر وجود دارد.

تطور و تحول مقررات مسئولیت مدنی در ایران، بازتابی ژرف از تعامل پیچیده میان

فقه امامیه و نظام‌های حقوقی مدرن غربی است. از زمان تصویب نخستین قوانین مدون در دوره پهلوی اول تا تحولات پس از انقلاب اسلامی، مسئولیت مدنی همواره در میانه دو جریان اصلی حقوقی قرار داشته است: از یک سو، میراث غنی فقه امامیه با مفاهیمی چون «ضمان»، «ذمه» و «اسباب ضمان قهری» که بر مبنای حمایت از حقوق زیان دیده و جبران عینی خسارت استوار است؛ و از سوی دیگر، الگوهای رومی ژرمنی که با تأکید بر «تقصیر»، «مسئولیت مدنی» و تفکیک میان مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد، مسیر دیگری را در نظم بندی این حوزه حقوقی پیموده‌اند.

در مواد قانون مدنی ایران که با تکیه بر فقه امامیه در سالهای ۱۳۰۷ (باب معاملات) و سپس ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ (ابواب احوال شخصیه و ادله اثبات دعوی) به تصویب رسیدند، دو مبحث دوم و سوم از فصل دوم جلد اول این قانون اختصاص به مسئولیت مدنی دارد. به دلیل نواقصی که در این قانون نسبت به موضوع مسئولیت مدنی و گستره آن وجود داشته، قانون خاصی با عنوان مسئولیت مدنی در هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ در شانزده ماده مبتنی بر حقوق کشورهای غربی و بالاخص قانون تعهدات سوئیس به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید و گسستی ساختاری در نظام مسئولیت مدنی ایران ایجاد کرد.

پس از انقلاب اسلامی، روند اسلامی سازی قوانین، بار دیگر فقه امامیه را به کانون تقنین بازگرداند. تصویب قانون مجازات اسلامی در رتبه نخست و مواد برخی قوانین پراکنده دیگر که مرتبط با مسئولیت مدنی می باشند (از جمله قانون آیین دادرسی کیفری) در رتبه های بعد، به ناهماهنگی و تعارض های بنیادین در مبانی، ساختار و رویه های قضایی مرتبط با مسئولیت مدنی دامن زد. هم اکنون قواعد و مقررات راجع به مسئولیت مدنی در حقوق کشور ما، آمیزه و ترکیبی از مقررات اسلامی و قوانین اقتباس شده از غرب می باشد.

بدین ترتیب مسئولیت مدنی در قوانین موجود ایران بر مبنای سه ساختار قانونی مورد تقنین قرار گرفته است که عبارتند از قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی و قانون مسئولیت مدنی. این ساختار مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران از دو منشا و منبع اقتباس بهره مند گشته است. بخشی از این ساختار برگرفته از نظام حقوقی رومی ژرمنی است. این بهره گیری به ویژه در طراحی ساختار طبقه بندی موضوعی تعهدات در قانون مدنی به دو بخش قرارداد و الزامات خارج از قرارداد و نیز در تصویب قانون مسئولیت مدنی هویدا است. از طرف دیگر بخش قابل توجهی از ساختار نظام مسئولیت مدنی ایران از حقوق اسلام و فقه امامیه تغذیه می کند. طراحی موجبات ضمان قهری در قانون مدنی و همچنین پس از انقلاب اسلامی، احیای مقررات فقهی مربوط به تسبیب در جنایات وارد بر نفس در قانون مجازات اسلامی جلوه گاه این تاثیر پذیری از منشا غنی فقهی است. کنار هم قرار گرفتن و ترکیب این دو نظام حقوقی در پیکربندی ساختار مسئولیت مدنی در حال حاضر موجب پدیداری مناقشات و پرسش های بنیادینی در زمینه تطبیق پذیری و انسجام مسئولیت مدنی گردیده است. این مقاله در پی آن است که تاثیر پذیری مقررات مسئولیت مدنی از فقه امامیه و حقوق رومی ژرمنی را تا حد امکان نمایان سازد<sup>۱</sup> و با بررسی سیر تطور مقررات مسئولیت مدنی، علل و ریشه های ناهماهنگی موجود را شناسایی کند و چالش های پیش روی نظام حقوقی ایران در حوزه مسئولیت مدنی را به تصویر کشد. در نهایت، با اشاره به تلاش های اخیر برای تدوین قانون جامع مسئولیت مدنی، ضرورت هماهنگ سازی

---

۱. خوانندگان علاقه مند به این موضوع می توانند به آثار دیگری نیز که در این خصوص نگاشته شده است مراجعه نمایند. از جمله: فنواتی، جلیل، نظریه تعهد یا نظریه تملیک، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۲۴، ۱۳۹۹، شماره ۹۳، صص ۲۱۵-۲۴۶؛ فنواتی، جلیل، ضمان قهری یا مسئولیت مدنی، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۲۷، بهار ۱۴۰۳، صص ۵۷-۷۸؛ بیگدلی، عطاء الله، تفاوت مبانی نظریه تعهدات در دو نظام رومی ژرمنی و فقه امامیه و آثار آن در حقوق قراردادهای ایران و فرانسه، رساله دکتری دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ۱۳۹۲.

قوانین و اتخاذ رویکردی یکپارچه و مبتنی بر مبانی فقهی. حقوقی بومی مورد تأکید قرار می‌گیرد.

در ادامه این نوشتار ابتدا به جایگاه مقررات مسئولیت مدنی در هر یک از قوانین مدنی و مسئولیت مدنی پیش از انقلاب اسلامی ایران و سپس به جایگاه مقررات مسئولیت مدنی در قانون مجازات اسلامی بعد از انقلاب اسلامی ایران پرداخته می‌شود. در خلال مباحث به تفاوت‌های موجود میان مبانی و رویکردهای هر یک از قوانین سه‌گانه مرتبط با مسئولیت مدنی و نهایتاً به ریشه‌های ناهماهنگی در مبانی و رویکردهای حاکم بر قوانین مرتبط با مسئولیت مدنی می‌پردازیم.

به اختصار باید دانست قوانین منبعث از فقه امامیه، مسئولیت مدنی را مبتنی بر حکم وضعی ضمان دانسته و تملک از راه مسئولیت مدنی را نیازمند دلیل شرعی یا قانونی می‌دانند. در مقابل قوانین منبعث از نظام حقوقی رومی ژرمنی با اکتفاء به سیره متداول میان مردم و احکام عرفی، بر عنصر تقصیر و رفتار قابل سرزنش متمرکز بوده و بدون توجه به عنصر ضمان و حکم وضعی، صرفاً بر حکم تکلیفی جبران خسارت و توجیه مسئولیت مدنی بر اساس نظریه تعهدات تأکید دارند.

## ۲. تأثیرگذاری فقه امامیه بر مقررات مسئولیت مدنی قبل از انقلاب اسلامی

در مواد قانون مدنی ایران که با تکیه بر فقه امامیه در سالهای ۱۳۰۷ (باب معاملات) و سپس ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ (ابواب احوال شخصیه و ادله اثبات دعوی) به تصویب رسیدند، دو مبحث دوم و سوم از فصل دوم جلد اول این قانون اختصاص به مسئولیت مدنی یافت. حدود دو دهه بعد یعنی در هفتم اردیبهشت سال ۱۳۳۹ شمسی، به دلیل نواقصی که در این قانون نسبت به گستره مسئولیت مدنی احساس شد، قانون خاصی با عنوان مسئولیت مدنی در شانزده ماده مبتنی بر حقوق کشورهای غربی و بالاخص

قانون تعهدات سوئیس به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید.

در این قسمت با تفکیک ساختار مسئولیت مدنی در قانون مدنی از ساختار و جایگاه آن در قانون مسئولیت مدنی به برخی تفاوت‌های این دو قانون که یکی منبعث از فقه امامیه و دیگری منبعث از حقوق کشورهای غربی است، اشاره می‌گردد.

## ۲.۱. جایگاه و ساختار مسئولیت مدنی در قانون مدنی ایران

تسلط و تخصص افراد حاضر در کمیته تهیه و تدوین قانون مدنی بر علوم حوزوی و صلاحیت ایشان برای اجتهاد، علاوه بر تسلط بر مباحث حقوقی و اعتقاد و ارادت عمیق این افراد بر فقه امامیه موجب شد که مبانی مسئولیت مدنی و مصادیق و عناوین موجب ضمان قهری در قانون مدنی از فقه اقتباس شود.<sup>۱</sup>

۱. از جمله این افراد می‌توان به حضور برجستگانی مانند ۱- سید محمد فاطمی قمی (روحانی مجتهد متبحر و متخصص در علوم مختلف از قبیل فقه، اصول، فلسفه، ادبیات فارسی، ادبیات عربی، منطق و ریاضیات و مدرس سرشناس و دانش آموخته حوزه علمیه و قاضی دیوان عالی کشور)؛ ۲- حاج سید نصرالله تقوی (روحانی مجتهد در علوم دینی و رئیس وقت دیوان کشور و یا دادستان کل کشور و تحصیل کرده در حوزه علمیه نجف)؛ ۳- شیخ محمد رضا ایروانی (روحانی مجتهد و حاکم شرع وقت و مستشار دیوان عالی و دانش آموخته حوزه علمیه و مدرس مدرسه مروی تهران)؛ ۴- شیخ علی بابا فیروزکوهی معروف به عالم (روحانی مجتهد و همدرس مرحوم آیت الله بروجردی و دانش آموخته حوزه علمیه اصفهان و نجف و مدرس مدارس سپهسالار و مروی)؛ ۵- سید کاظم عصار تهرانی (روحانی مجتهد برجسته و استاد حوزه و دانشگاه و مسلط بر فقه و اصول و فلسفه و دانش آموخته حوزه علمیه و مسلط بر زبان فرانسوی و تحصیل کرده فلسفه جدید در فرانسه)؛ ۶- سید محسن صدر (روحانی مجتهد و رئیس یکی از شعب دیوان عالی تمیز و رییس دادگاه انتظامی قضات که مدتی هم وزیر دادگستری بود و از دوستان مرحوم آیت الله بروجردی مرجع معروف تقلید بود)؛ ۷- سید مصطفی عدل (تنها عضو غیر روحانی هیات تدوین قانون مدنی که البته ایشان هم ریشه و پایگاه روحانی داشت. ایشان فارغ التحصیل حقوق از فرانسه بود که با زبانهای عربی، فرانسوی، ایتالیایی و روسی هم آشنایی داشت و مدتی مستشار دیوان تمیز و سپس رییس دایره تنقیح قوانین شد. مدتی نیز ایشان نماینده رسمی ایران در جامعه ملل بوده است. ترجمه قانون مدنی فرانسه برای اعضاء کمیسیون توسط او صورت می‌گرفت و در تدوین قانون جزای عمومی و قانون تجارت نیز ایشان نقش مهمی داشته است. همچنین ایشان مدتی رییس دانشکده حقوق دانشگاه تهران و سپس در کابینه فروغی وزیر فرهنگ و در کابینه های بعدی وزیر دادگستری و وزیر مشاور بود.) (رک: عاقلی، ۱۳۶۹، ص ۲۳؛ بهرامی احمدی، حمید، ۱۳۸۱، ص ۱۸)

منبع مهم جلد اول قانون مدنی کتابهای مشهور فقه امامیه بود و هیات تدوین قانون مدنی به کتاب‌های مشهور فقهی مثل شرایع محقق حلی، لمعه دمشقیه محمد بن مکی (ملقب به شهید اول)، شرح آن توسط زین الدین بن علی (ملقب به شهید ثانی)، جواهرالکلام شیخ محمد حسن نجفی (ملقب به صاحب جواهر)، مکاسب شیخ انصاری و شروح آن و نظایر اینها نظر داشتند و همچنین «شرح استاد رستم سلیم باز» بر قانون «مجله الاحکام العدلیه» را که قانون مدنی عثمانی بود مطالعه می‌کردند و از قوانین خارجی مخصوصاً به قانون مدنی فرانسه و قانون مدنی مصر نظر داشتند و این امر را مرحوم سید محمد فاطمی در شرح زندگانی خود مورد تصریح قرار داده است. (محمد جعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، ج ۱، ۱۲۷۸، ش ۱۰۲۶۳)

مسئولیت مدنی در قانون مدنی در ذیل باب اموال قرار گرفته است. جلد نخست قانون مدنی با عنوان اموال، در نخستین کتاب خود به مباحث «اموال و مالکیت به طور کلی»، پرداخته و دومین کتاب را به «اسباب تملک» اختصاص داده است. در نخستین ماده از کتاب دوم موسوم به «در اسباب تملک»، در ماده ۱۴۰ موجبات ایجاد ملکیت در چهار بند توسط قانون‌گذار عرضه شده است. این ماده ناظر به ماده ۷۱۱ قانون مدنی فرانسه است، ولی تغییر زیادی در آن برای سازگاری با مقررات اسلامی داده شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

بند دوم ماده ۱۴۰ عقود و تعهدات را سبب تملک شمرده است. با مراجعه به ساختار قانون مدنی پی‌می‌بریم که تفصیل این بند در باب اول از قسمت دوم کتاب دوم با عنوان «در عقود و معاملات و الزامات» آمده است. این ماده بومی‌سازی ادبیات حقوقی فرانسه است. قانون مدنی فرانسه اسباب تعهد را شمارش می‌کند. قانونگذار ایران بجای اینکه مانند فرانسه سبب تعهد را چون عقد، شبه عقد، جرم و شبه جرم

معین کند (بابایی و کشاورز، ۱۳۹۶: ۵۰) بر اساس ادبیات فقهی و متأثر از حضور حقوقدانان مجتهد متولی تهیه و تدوین قانون، اسباب تملک را بیان کرده است. اگر با نگاهی دیگر به این موضوع نگاه کنیم قانونگذار در بند اول به اسباب تملک اموال مادی می‌پردازد که در ظرف خارج محقق می‌شوند. در بند دوم به اموالی می‌پردازد که در ظرف ذمه محقق و یا اینکه موجب انتقال می‌شوند. به عبارت دیگر این بند اسباب تملک اموال در ذمه را نشانه گرفته است. این اموال کلی هستند و به صورت دین می‌باشند. به همین خاطر قانونگذار به مهمترین ویژگی این اموال که همان تحقق تعهد است اشاره می‌کند.

در بند دوم این ماده، یکی از اسباب ایجاد کننده مالکیت این گونه بیان شده است: «به وسیله عقود و تعهدات». از آنجا که این تقسیم‌بندی به لحاظ ساختار و تبویب از قانون مدنی فرانسه اخذ شده است، می‌توان مراد قانون‌گذار از تعهدات را الزامات ناشی از نقض قرارداد و الزامات خارج از قرارداد تلقی کرد. گرچه قانون‌گذار عنوان «الزامات خارج از قرارداد» را از ساختار قانونی فرانسه اخذ کرده است، اما در شمارش مواردی از الزامات خارج قرارداد که می‌تواند سبب ایجاد مالکیت گردد به فقه رجوع کرده و عناوین را از فقه اقتباس می‌کند. از این رو در ماده ۳۰۷ به چهار عنوان که سبب ایجاد مالکیت می‌گردد اشاره می‌کند و در این مرحله از عناوین مندرج در متون فقهی و در راس آنها واژه «ضمان» بهره می‌گیرد. در صدر ماده ۳۰۷ موارد ضمان قهری را در چهار عنوان احصاء نموده که عبارتند از غصب و آنچه در حکم غصب است، اتلاف، تسبیب و استیفاء.

به همین دلیل همانطور که موضوعات موجب ضمان، در نظام فقهی مورد احصاء قرار می‌گیرد، موضوعات موجب مسئولیت مدنی در ساختار قانون مدنی، در قالب تاسیس حقوقی مورد احصاء قرار می‌گیرد. این احصاء در فقه، مشتمل بر فهرستی متکثر از

اسباب یا عواملی است که بر پایه نقض حق الناس اعم از نقض حقوق نفسانی یا نقض حقوق مالی، حق ثانویه‌ای موسوم به ضمان در ظرف ذمه شکل می‌گیرد و متعاقب بر آن، مطالبه خسارت را جایز می‌گرداند.

بدین ترتیب گرچه در قانون مدنی ایران با اقتباس از نظام حقوقی نوشته، تقسیم‌بندی رومی ژرمنی تعهدات به عقود و الزامات خارج از قرارداد مورد پذیرش قرار گرفت به نحوی که در ابتدا عقد در یک سوی طبقه‌بندی قرار گرفت و سایر تعهدات مصادیق چهارگانه الزامات خارج از عقد را تشکیل دادند و به همان سبک رومی ژرمنی، قراردادها به عنوان مصداقی از منشا ایجاد تعهد از الزامات خارج از قرارداد متمایز شده است (مواد ۱۸۳ الی ۳۰۰ به مسئله عقود و تعهدات به طور کلی می‌پردازد، و مواد ۳۰۱ الی ۳۰۷ به الزامات بدون قرارداد اشاره دارد). اما با توجه به تسلط و تبحر تدوین‌کنندگان قانون مدنی بر علوم دینی به ویژه فقه امامیه طبقه‌بندی الزامات خارج از قرارداد به دو بخش کلیات و ضمان قهری، کاملاً متفاوت از طبقه‌بندی چهارگانه الزامات خارج از قرارداد در حقوق رومی ژرمنی است که این الزامات را در عناوین چهارگانه شبه عقد، جرم، شبه جرم و قانون احصاء کرده است. بر این اساس، قانون مدنی در قسمت موجبات ضمان قهری بطور کامل از ساختار و طبقه‌بندی جرم/شبه جرم در نظام حقوقی رومی ژرمنی فاصله می‌گیرد و به ساختار احصاء عناوین ضمان آور که در نظام فقهی مرسوم است متمایل می‌شود. بدین ترتیب قانون‌گذار با اجتناب از بکارگیری واژه مسئولیت مدنی و اتخاذ عنوان ضمان و انعکاس موجبات ضمان فقهی در ماده ۳۰۷، نشان می‌دهد که علاقه‌ای برای پیروی از مبانی مسئولیت مدنی رومی ژرمنی که بر محور نظریه تقصیر و بر پایه ضرایب روانی زیان زننده شکل گرفته است ندارد. به همین دلیل قانون مدنی به مانند مدل فقهی حرکت می‌کند که بر پایه تضمین و احترام به حق‌ها و منافع زیان دیده نظیر تمامیت جسمانی و معنوی و اموال او استوار است.

همچنین در قانون مدنی خبری از منابع تعهدات نظیر شبه عقد، شبه جرم و جرم مدنی نیست. در باب شبه عقد هر چند مصادیق شبه عقد نظیر ایفای ناروا و اداره مال غیر در مواد ۳۰۱ الی ۳۰۶ قانون مدنی آورده شده است، اما به جهت فقدان عنوان شبه عقد در نظام فقهی، صرفاً مصادیق آن ذیل عنوان کلیات مورد پذیرش واقع گردیده است. از عنوان کلیات بطور معمول در صورتی استفاده می‌شود که پیش از پرداختن به جزئیات موضوع بطور مفصل، مسائل کلی آن تحت عنوان کلیات آورده شود که چنین چیزی در قانون مدنی مراعات نگردیده است.

## ۲.۲. جایگاه و ساختار مسئولیت مدنی در قانون مسئولیت مدنی

دومین ساختار قانونی در ایران که حاوی مسایل مسئولیت مدنی است، در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۷ گردآوری شده است. در این قانون، قانونگذار ایران افزون بر ساختار، به اخذ مفاد و مضامین حقوق رومی ژرمنی اقدام کرد و نگرش فقهی را کنار نهاده است. این قانون مشتمل بر ۱۶ ماده است. تدوین کنندگان این قانون بر آن بوده‌اند که مقررات قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ را در در زمینه ضمان قهری را تکمیل کنند. با این حال مقایسه مبانی و رویکردها و اصول حاکم بر قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی گویای تفاوت در نگاه، منابع و مبانی این دو قانون است. نویسندگان قانون مسئولیت مدنی گرچه ادعای تکمیل قانون مدنی را داشتند، اما نه تنها محور مطالعه و تدوین خویش را بر پایه فقه امامیه که مبنای تدوین قانون مدنی بود قرار دادند، بلکه تخصص ویژه‌ای نیز در این زمینه نداشتند.

با تصویب قانون مسئولیت مدنی دگرگونی‌ها و در عین حال تضادهای شگرفی در ساختار مسئولیت مدنی ایران پدید آمد. اصلی‌ترین دلیل این تحولات به منشا اقتباس این قانون باز می‌گردد. قانون مسئولیت مدنی بطور کامل برگرفته از قوانین کشورهای

حقوق رومی ژرمنی به خصوص آلمان و سوئیس است. قانون گذار به یکباره با فاصله گرفتن از مبانی نظام فقهی و قانون مدنی، ساختار مسئولیت مدنی در نظام حقوق رومی را وارد قلمرو قوانین کشور کرد. این چرخش از همان اصطلاح «مسئولیت مدنی» هویدا است. چنین اصطلاحی نه در فقه و نه در قانون مدنی به چشم نمی‌خورد، بلکه سخن از ضمان است و موجبات ضمان.

در قانون مسئولیت مدنی، با عدول از ادبیات، مبانی، رویکردها و اصول و قواعد فقهی، به وضع ضمانت اجرا برای رفتارهای اضرار آور پرداخته است. از این رو تمرکز بر حکم وضعی ضمان و بهره‌گیری از ظرف ضمان یعنی ذمه، در این قانون جایگاهی ندارد. بر این اساس، الگوی قانون‌گذار در این قانون به مشابه قوانین رومی ژرمنی است که برای الزام به جبران خسارت نه تنها نیاز به قرار گرفتن ضمان بر ذمه نمی‌بینند، بلکه توان تصور چنین چیزی را نیز ندارند.

## ۲.۳. تفاوت قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی در نیازمندی به دلیل شرعی یا

### قانونی برای تملک از راه مسئولیت مدنی

دلیل احصاء اسباب مالکیت در ماده ۱۴۰ قانون مدنی با این توضیح آشکار می‌شود که نهاد «مالکیت»، نهادی اعتباری است که ماهیت اعتباری دارد و حقیقتی فراتر از اعتبار عرف، عقلا یا شارع ندارد (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱ق: ۱، ۶۵). مالکیت به اتفاق فقیهان، رابطه اعتباری خاص میان مالک و مملوک و سلطه قوی مالک بر مال مملوک را بیان می‌کند. (نایینی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۵؛ خمینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۴ و ج ۲، ص ۱۹۳) درست است که مالکیت، حقیقت شرعیه ندارد تا برای فهم آن محتاج به ادله خاص شرعی باشیم، اما ایجاد و اسقاط آن محتاج دلیل خاصی از نهاد اعتبار کننده است. برای مثال، شیخ انصاری در کتاب «مکاسب» پس از اذعان به اینکه مالکیت امری

اعتباری است (انصاری، ۱۴۱۵ق: ۴، ۶۳ و ۲۵۱)، به این مطلب تصریح می‌نماید که مالکیت برای ایجاد نیاز به سبب شرعی (مجعول) ظاهری (غیر واقعی) دارد (انصاری، ۱۴۱۵ق: ۵، ۳۴۱). از این رو، مالکیت یک امر اعتباری است، نه واقعی. در امور اعتباری گرچه بمانند امور تکوینی، سخن از علت و معلول در ایجاد و اسقاط آنها مطرح نمی‌شود، لکن در این امور، ایجاد و اسقاط در دست اعتبار کننده است. همان طور که اصل ایجاد در اختیار اعتبار کننده است، کیفیت مالکیت و گستره آن بر اساس اعتباری است که عقلا، یا عرف یا شارع برای آن تعیین کرده‌اند.

بر این اساس، ملکیت به عنوان یکی از احکام وضعی، زمانی به نحو صحیح محقق می‌شود که دلیل معتبری برای آن وجود داشته باشد و با توجه به این معناست که گفته می‌شود، اصل در اشیاء عدم ملکیت و عدم طلق بودن آنها است (نراقی، ۱۴۱۷: ۱۱۴).

همانطور که گفته شد، نه تنها ایجاد ملکیت، بلکه انعدام ملکیت نیز نیاز به دلیل شرعی یا عرفی یا عقلایی دارد. قطع رابطه مالکیت ممکن است اختیاری یا قهری باشد (همدانی، ۱۴۱۶ق: ۱۴، ۶۲). برای مثال به عقیده فقیهانی که اعراض را عامل قطع رابطه ملکیت می‌دانند، این عامل به گونه‌ای اختیاری سبب قطع می‌گردد. در مقابل، عوامل ایجاد ضمان قهری و مسئولیت مدنی به گونه‌ای قهری رابطه ملکیت میان عامل زیان و مالش را قطع می‌گرداند. از آنجا که رابطه ملکیت رابطه‌ای دو طرفه میان مالک و مملوک است، گاه قطع رابطه به لحاظ از بین رفتن مالک رخ می‌دهد که در این حالت، مطابق با بند ۴ ماده ۱۴۰، اثر دلیل مالکیت قرار می‌گیرد؛ و گاه قطع رابطه به لحاظ از بین رفتن مال رخ می‌دهد که در این حالت، مطابق با بند ۲ ماده ۱۴۰، تعهدی که در ادبیات فقهی بدان «ضمان قهری» گویند با استقرار بر ظرفی که در ادبیات فقهی موسوم به نهاد «ذمه» است، سبب ایجاد مالکیت می‌گردد. از این رو این گونه نیست که به محض از بین رفتن یک طرف رابطه ملکیت، خود بخود و بدون وجود

مستند و جعل و اعتبار شرعی یا قانونی، مالکیت برای شخص یا اشخاص دیگری محقق گردد؛ بلکه همانطور که گفته شد ایجاد مالکیت برای شخص جدید، به لحاظ اعتباری بودن مالکیت، نیاز به دلیل خاص قانونی و شرعی دارد.

با توضیحات فوق، می‌توان متوجه شد که چرا قانون‌گذار در ماده ۱۴۰ قانون مدنی به بیان اسباب ایجاد کننده ملکیت اقدام نموده است.

قانون مسئولیت مدنی برخلاف قانون مدنی قائل به عدم نیازمندی به دلیل شرعی و قانونی برای تملک از راه مسئولیت مدنی شده است. در این قانون، مسئولیت مدنی از قرار گرفتن ذیل حوزه اموال خارج شده است و به همین دلیل الزام به پرداخت خسارت مبتنی بر این قانون به دلیل اثبات و جعل قانونی نیاز ندارد؛ چرا که همان طور که گفته شد علت آنکه الزام به جبران خسارت مبتنی بر قانون مدنی به جعل قانونی و دلیل اثبات نیاز دارد آن است که مسئولیت مدنی در ساختار قانون مدنی ذیل باب اموال و در زمره یکی از اسباب مالکیت قرار گرفته و از آنجا که مالکیت نهادی اعتباری است که حدوث و سقوطش در اختیار اعتبارکننده است و این اعتبارکننده نیز قانون‌گذار می‌باشد، لهذا ایجاد مالکیت در نتیجه وصول خسارت منطبق با ساختار قانون مدنی نیاز به دلیل قانونی دارد. اما در قانون مسئولیت مدنی، با خروج مسئولیت مدنی از باب اموال و در نتیجه خروج از ذیل مالکیت، نهادی اعتباری در میان نیست تا حدوث و سقوطش در اختیار قانون‌گذار و تنها به اراده او انجام گیرد. بلکه بر طبق این قانون، مستقیماً و بدون اثبات ضمان، ضمانت اجرای رفتار اضرار آور توسط قانون‌گذار تعیین شده است. این ضمانت اجرا که همانا پرداخت خسارت است یک حکم تکلیفی صرف بوده و رابطه اش با حکم وضعی ضمان، منطبق با الگوی مدنظر قانون‌گذار در تصویب این قانون، قطع شده است.

## ۲/۴. تفاوت قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی در تمرکز بر عناصر تقصیر و

### خطا

از آنجا که در قانون مسئولیت مدنی، مبنای قانون‌گذار وضع ضمانت اجرا بر رفتار اضرار آور بوده است، به عامل تقصیر در رفتار قابل جبران تصریح می‌کند و رفتاری را واجد ضمانت اجرا می‌داند که از روی تقصیر باشد. یکی از وجوه تفاوت این قانون با مبانی قانون مدنی که در فقه اسلامی شکل گرفته آن است که در ادبیات فقهی، جبران خسارت متکی بر عنصر عینی فعل خارجی است، نه عنصر ذهنی سرزنش پذیری مرتکب آن. به همین دلیل در ادبیات فقهی بر عنصر تقصیر تاکید نمی‌شود، چرا که مهم آن است که خسارت وارده مبتنی بر ادله و قواعد باب ضمان، ضمان آور باشد، چه رفتار ضرر آور همراه با تقصیر باشد یا بدون تقصیر. (رک: حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق: ۲، ص ۴۱۵ به بعد) لکن در قانون مسئولیت مدنی به منظور وضع ضمانت اجرا برای رفتار، ویژگی‌ها و مشخصه‌های رفتاری که از منظر قانون‌گذار باید با ضمانت اجرا همراه باشد بیان می‌گردد و از همین رو رفتار مقصرانه در صورت آفرینش ضرر بر غیر با ضمانت اجرا همراه است.

سخن از مسئولیت و تقصیر اساساً در حالتی می‌تواند مطرح باشند که تکلیف از پیش موجودی به نحو سرزنش آمیز نقض شود تا برای ضمانت اجرای آن مسئولیت به وجود آید. واژه مسئولیت بطور ضمنی تداعی‌گر مفهوم وظیفه یا تکلیف پیشینی است که به دلیل عدم رعایت تکلیف، موجب تحقق پاسخگویی (مسئولیت) و بازخواست بخاطر نقض وظیفه مربوطه می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱، ۳۳۹).

از طرف دیگر واژه مدنی در عبارت «قانون مسئولیت مدنی» نمایانگر تقسیم جرم به مدنی و کیفری در نظام حقوقی رومی ژرمنی است. همانطور که قانون مدنی فرانسه،

خطای مدنی را به دو دسته تقسیم می‌کند: جرم مدنی که مبین رفتار عمدی موجب خسارت به منافع خصوصی است؛ و شبه جرم که رفتار توأم با بی احتیاطی است که موجب خسارت دیگری شود. (رک: بادینی، ۱۳۸۴، ص ۴۲) کافی است ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی با ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه مقایسه شود تا بیان دو دسته از خطای مدنی در حقوق فرانسه در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی به گونه‌ای روشن هویدا شود. در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی همه گونه ضرر که با رفتار مقصرانه همراه گردد، با ضمانت اجرای الزام به پرداخت خسارت همراه شده است. در این ماده چنین مقرر شده است: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد». نظیر همین امر در ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه دیده می‌شود که در آن گفته شده است: «فعل هر شخص به هر نحو منجر به خسارت دیگری شود شخصی که از تقصیر او خسارت ایجاد شده را متعهد به جبران می‌نماید».

بدین ترتیب می‌توان گفت عنصر عمد و بی احتیاطی در قانون مسئولیت مدنی نقش کلیدی و محوری دارد؛ بگونه‌ای که این قانون صورت‌های ورود زیان به صورت غیر عمد و بی احتیاطی را پوشش نمی‌دهد. می‌توان گفت با توجه به همین نکته است که این قانون با ادبیات سنتی و فقهی مسوولیت مدنی فاصله گرفته است؛ چرا که مبانی قانون مدنی نشان می‌دهد که تقصیر نقش چندانی در اثبات مسئولیت مدنی ندارد. نگاهی به فتاوی فقها اثبات می‌کند که ایشان در صدد صورت بندی و مضبوط کردن رفتار ضررآور نبودند، و تنها به عنصر ضمان آور بودن رفتار توجه می‌کردند. برای مثال در کتاب «العناوین» در مقام تعریف تعدی یا تفریط که دو روی سکه تقصیر

تلقی می‌شوند، قصد فاعل به ارتکاب فعل، علم و آگاهی او به تعدی یا تفریط آمیز بودن فعل و حتی علم و آگاهی او به مال غیر بودن موضوع تعدی یا تفریط، شرط نیست (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق: ۲، ۴۴۹-۴۵۱). یا در برخی نگاشته‌های صاحب جواهر، ضابطه تقصیر (اعم از تعدی یا تفریط)، انجام فعل ممنوع یا ترک فعل واجب شمرده شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۲۷، ۱۲۸)؛ ضابطه‌ای که به وضوح بر عناصر عینی رفتار صورت گرفته در عالم خارج استوار است، نه شرایط ذهنی مرتکب آن. لذا بر خلاف حقوق رومی ژرمنی که منبع اقتباس قانونگذاران مسئولیت مدنی بوده است، عنصر تقصیر به درجات و سطوح مختلف تقسیم نمی‌شود. بلکه در نظام فقهی طبقه‌بندی بر سر موجبات ضمان قرار می‌گیرد، نه طبقه‌بندی خطاها یا تقصیرات. به عبارت دیگر تمامی فهرست موجبات ضمان در بردارنده اعمال خطاکارانه و مقصرانه نیست. بلکه در ادبیات فقهی، برخی از موجبات ضمان مبین نوعی رفتار خطاکانه یا مقصرانه هستند نظیر تعدی، تفریط، استیلاء عدوانی، غرور یا تدلیس و استیفای نامشروع. در عین اینکه این اعمال منجر به نقض حق نیز می‌شوند. اما بسیاری دیگر از موجبات ضمان متضمن چنین خطا یا تقصیری در رفتار نیستند، بلکه اعمالی هستند که صرفاً به دلیل نقض حق فرد دیگر موجب ضمان می‌شوند، نظیر اتلاف یا تسبیب، استیلاء غیرعدوانی و استیفاء مشروع.

## ۲.۵. تفاوت قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی در توجه به عنصر ضمان

می‌توان گفت رابطه مسئولیت مدنی در قانون مدنی با مسئولیت مدنی در قانون مسئولیت مدنی عموم و خصوص من وجه است؛ چرا که از جهتی دایره شمول موجبات ضمان در قانون مدنی از حوزه مسئولیت مدنی در قانون مسئولیت مدنی فراخ‌تر است؛ چرا که عنصر تقصیر در موجبات ضمان از منظر قانون مدنی نقش ایفا

نمی‌کند. و از جهت دیگر از آنجا که هر رفتار اضرار آوری در صورت متضمن شدن به عنصر تقصیر، حتی اگر منطبق با ادله و قواعد ضمان، ضمان آور نباشند، مطابق با قانون مسئولیت مدنی با ضمانت اجرای پرداخت خسارت مواجه می‌شود، موجبات مسئولیت مدنی در قانون مسئولیت مدنی از موجبات ضمان در قانون مدنی فراخ‌تر است. برای مثال از این جهت که موضوعات تحت شمول این قانون صرفاً زیان‌های مالی و بدنی را دربرنگرفته و زیان‌های عاطفی و شهرت را نیز (با توجه به مواد ۱-۲-۸-۱۰) در بر می‌گیرد، موضوعات تحت شمول مسئولیت در قانون مسئولیت مدنی موسع شده است.

گذار از ساختار قانون مدنی و نظام فقهی که بر پایه مفهوم ضمان به مثابه حکم وضعی می‌باشد به مفهوم رومی ژرمنی مسئولیت مدنی به مثابه حکم تکلیفی را می‌توان مهمترین دگردیسی در قانون مسئولیت مدنی دانست.

### ۳. تأثیر گذاری فقه امامیه بر مقررات مسئولیت مدنی بعد از انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ماهیت و هدف آن و رهبری اش توسط یکی از دانش‌آموختگان حوزه علمیه، نهضت اسلامی سازی مقررات مورد توجه خاص قرار گرفت.

حضور مراجعی مانند آقایان مکارم و سبحانی و موسوی اردبیلی و منتظری در شورای قانون اساسی و مراجع و بزرگانی مانند حضرات آیات صافی گلپایگانی، هاشمی‌شاهرودی، صادق لاریجانی، مؤمن قمی، صانعی، قدیری و... در شورای نگهبان و پیش‌بینی حضور ۶ فقیه در هر دوره این شورا، جهت مراقبت بر مطابقت قوانین با شریعت و فقه اسلامی، نشان از اهتمام بر اسلامی سازی همه قوانین از جمله مقررات مربوط به مسوولیت مدنی است.

پیش‌بینی نهاد شورای نگهبان در اصول قانون اساسی (از جمله در اصل ۷۲-۹۱ و ۹۴)

و تاثیر گذاری این نهاد بر همه قوانین، نماد و تبلور اهتمام نظام اسلامی نوپای ایران به اسلامی سازی قوانین است.

همچنین در اصل ۴ قانون اساسی به صراحت بر ضرورت اکتنای همه قوانین و مقررات بر موازین اسلامی تاکید گردیده است و در بیانی صریح حاکمیت این اصل را بر اطلاق یا عموم همه اصول و مقررات دیگر بیان می دارد.

برخی اصول قانون اساسی که ارتباط وثیق با ساحت مسوولیت مدنی دارند مانند اصل ۴۰ قانون<sup>۱</sup>، از قواعد فقهی مانند قاعده لاضرر و اصل تسلیط متخذ شدند و این اصل متأثر از نقش فقهای عظام حوزه علمیه در قانون گذاری می باشد.

با توجه به اینکه در قبل از دوران انقلاب قانون مدنی متأثر از فقه امامیه تدوین و تصویب گردیده بود در بعد انقلاب قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین کیفری و ساحت حقوق کیفری بدلیل اختلافاتی که بعضاً با موازین اسلامی داشتند، بیش از سایر ساحت ها متأثر از سیاست اسلامی سازی قوانین قرار گرفت و تصویب قانون دیات که مرتبط با جبران زیان های جسمی است در سالهای ابتدایی پیروزی انقلاب یعنی در سال ۱۳۶۱ تبلور تأثیر پذیری مقررات مسوولیت مدنی از متون فقهی می باشد.

همچنین با توجه به اینکه تدوین احکام فقهی در قالب قانون بصورت جامع و دقیق کمی دشوار است و بدلیل فراوانی مسائل مبتلابه مردم باز این امکان وجود دارد که مسائل و دعاوی میان مردم مطرح شود که در قانون پیش بینی نشده است لذا قانونگذار در اصل ۱۶۷ قانون اساسی راهکاری را برای احتراز از پیامدهای ناشی از نقص و یا اجمال و ابهام قوانین پیش بینی کرد و فتاوی معتبر اسلامی را به عنوان مرجع حل و فصل اختلاف در

---

۱. اصل ۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

موارد سکوت، نقص، اجمال، ابهام و تعارض قوانین مدون پیش‌بینی نمود. بدیهی است با توجه به گستردگی دعاوی متعدد مرتبط با مسئولیت مدنی و اقسام مختلف زیان، قاضی به موجب این اصل از مراجعه به فقه امامیه برای پاسخ به مسائل مسئولیت مدنی که در قانون پیش‌بینی نشده، بی‌نیاز نخواهد بود و آراء قضایی مرتبط با مسئولیت مدنی در موارد فقدان یا اجمال یا ابهام قوانین مربوطه، از فقه متأثر خواهد گردید. مطابق این اصل: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد، و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید؛ و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد»

الفاظ عبارات در اصل ۱۶۷ به نحوی است که کلیه دعاوی کیفری و غیر کیفری را در بر می‌گیرد. همچنین دقت در مراد قانونگذار و مذاکرات قانون اساسی نیز این تفسیر را تأیید می‌نماید.<sup>۱</sup>

---

۱. رأی وحدت رویه شماره ۱۱ در سال ۱۳۶۴ در مورد دیه، دلالت بر ضرورت و لزوم صدور حکم به مجازات به رغم فقدان نص قانونی در زمان ارتکاب رفتار دارد. در این رأی صریحاً عطف به ما سبق نشدن قوانین کیفری را صرفاً در خصوص حکم به تعزیر و نه دیه، پذیرفته است. (رک: [www.rc.majlis.ir/law/show/101375](http://www.rc.majlis.ir/law/show/101375)) این قبیل آراء نشان دهنده این است که قانونگذار قاعده ممنوعیت عطف به ما سبق نشدن قوانین را مختص مقررات و نظامات دولتی می‌داند و در مواردی که مجازاتی در قانون تعیین نگردیده اما در متون فقهی براساس نصوص شرعی مجازات مشخص است، قاضی لازم نیست به اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها (مندرج در اصل ۳۶) عمل نماید. به عبارت دیگر مشخص بودن مجازات و کیفر یک جرم در فتاوی مشهور فقها به منزله ذکر این کیفر در قوانین است. (رک: ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) این نظریه و رویه با تصویب ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص حدود تقویت گردید. وفق این ماده: «در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود.»

### ۳.۱. جایگاه و ساختار مسئولیت مدنی در قانون مجازات اسلامی

سومین قانونی که مباحثی از مسئولیت مدنی را در خود جای داده است، قانون مجازات اسلامی می باشد. قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ حکمی درباره جبران خسارت بدنی نداشت. پس از پیروزی انقلاب، سه قانون حدود و قصاص، دیات و کلیات در سال ۶۱ و با اصلاحاتی در سال ۱۳۷۰ در یک قانون جمع و از تصویب مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام گذشت و عنوان قانون مجازات اسلامی به خود گرفت. قسمت دیات این قانون عمدتاً به خسارات بدنی مرتبط است. نهاد دیه یا خون بها جهت جبران یکی از اقسام زیان در نظام حقوقی ایران یعنی زیان های جسمانی پیش بینی شده است. این نهاد در قانون مجازات اسلامی از سویی به عنوان مجازات صدمات غیر عمدی یا عمدی غیر قابل قصاص است که بر تمامیت جسمانی افراد وارد می شود (ماده ۱۴) در حالی که ماهیت خسارت دارد و از سوی دیگر تابع مقررات ضمان و مسئولیت مدنی قرار گرفته است. (ماده ۴۵۲) این در حالی است که بسیاری از مقررات مسئولیت مدنی بر آن بار نمی شود. دیه عمری طولانی در قوانین جزایی ایران ندارد بلکه پس از سیطره فقه بر نظام تقنینی ایران وارد قانون مجازات اسلامی شد. یکی از مهمترین تأثیرات فقه بر تقنین مقررات مسئولیت مدنی در این حوزه (یعنی پرداخت خسارت های جسمی) رقم خورده است بگونه ای که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، خسارت های جسمانی نیز مانند خسارت های مالی در قانون مسئولیت مدنی پیش بینی شده بود بدون اینکه نام دیه به آن ها اطلاق شود.

قانون دیات مصوب ۱۳۶۱ که نخستین قانونی بود که دیه را به رسمیت شناخته بود، در سال ۱۳۷۰ جای خود را به قانون مجازات اسلامی (کتاب چهارم) داد. این قانون تحول چندانی نسبت به قانون سال ۱۳۶۱ نداشت. در سال ۱۳۷۵ قانون تعزیرات و مجازات های بازدارنده به قانون مزبور اضافه شد و نهایتاً در سال ۸۶ برای تصویب یک قانون جامع، لایحه

مجازات اسلامی شامل کلیات، حدود، قصاص و دیات از سوی قوه قضائیه تهیه و پس از جرح و تعدیل زیاد در کمیسیونهای مجلس و دولت و شورای نگهبان نهایتاً قانون مجازات اسلامی در تاریخ ۹۲/۲/۱ به تصویب رسید. کتاب چهارم این قانون مشتمل بر مواد ۴۴۸ به بعد به طور خاص به بحث دیات اختصاص پیدا کرده است.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ حاوی تحولات مهمی در قلمرو قواعد عمومی، حدود، قصاص و دیات است. از جمله اینکه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، تعداد مواد کتاب چهارم مربوط به دیات ۲۰۲ ماده بود که این مواد در سال ۱۳۹۲ به ۲۷۹ ماده افزایش یافت و قانونگذار سعی نمود کاستی‌هایی را که نیاز به آنها در طول ۳۰ سال در دادگاهها آشکار شده بود، با وضع قوانین و مقررات مناسب جبران نماید.

یکی از ایرادهای مهم قانون ۱۳۷۰ بیان احکام در قالب مثالها و مصادیقی بود که در روایات و نوشته‌های فقهی آمده بود در حالیکه قانونگذار لازم بود قواعد عمومی را از این مثالها استخراج کرده و در قالب حکم کلی بیان می‌نمود که این ایراد کماکان باقیست. از مهمترین مسائل و موضوعات و احکامی که در کتاب چهارم قانون سال ۱۳۷۰ نبود اما قانونگذار با تبعیت از فقه اسلامی در قانون جدید سال ۱۳۹۲ در رابطه با مسئولیت مدنی پیش‌بینی نمود می‌توان به این موارد اشاره نمود:

- تسری احکام دیه به ارش در ماده ۴۴۹

- تبعیت دیه از مقررات مسئولیت مدنی در ماده ۴۵۲

- توسعه مصادیق مسئولیت بیت المال مواد ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۷، ۴۸۴،

۴۸۵، ۴۸۶ و ۴۸۷

- معیار قیمت زمان پرداخت ماده ۴۹۰

- اصلاحاتی در مقررات عاقله مواد ۴۸۸ و ۴۸۹

- اصلاح مقررات مسئولیت پزشک مواد ۴۹۵ تا ۴۹۷
- پیش‌بینی قاعده فقهی احسان ماده ۵۱۰
- تساوی مسئولیت مباشر و سبب ماده ۵۲۶ - لزوم احراز تقصیر ماده ۵۲۹
- عدم مسئولیت علت ضعیف ماده ۵۳۱ - تساوی مسئولیت شرکا یا اسباب ماده ۵۳۳
- جنایت‌های طولی ماده ۵۳۵ - عدم مسئولیت مباشر در صورت تقصیر مجنی علیه ماده ۵۳۷
- تفکیک احکام جنایت‌های طولی و عرضی مواد ۵۴۰ تا ۵۴۴
- اصل عدم تداخل دیات ماده ۵۳۸

قوه قضائیه با توجه به آزمایشی بودن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و مسئولیتی که اصل ۱۵۸ قانون اساسی مبنی بر تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی بر عهده ریاست این قوه نهاده بود از سالها قبل از تصویب قانون جدید در صدد تهیه لایحه‌ای جامع برآمده بود که جایگزین قانون آزمایشی مصوب سال ۱۳۷۰ شود. در همین راستا مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه (که متشکل از برخی فقها و دانش‌آموختگان حوزه علمیه قم) بود در سال ۱۳۷۹ آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ را آغاز کرد. محصول زحمات پژوهشگران مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه ۷ هزار صفحه است که ۱۰۰۰ صفحه آن به حدود، دو هزار صفحه به قصاص و چهار هزار صفحه به دیات اختصاص یافته است. این مجموعه در لایحه پیشنهادی و دفاع از آن در شورای عالی قضایی و تصویب بخش اعظم آن در مجلس شورای اسلامی نقش بسیار مهمی داشت. (رک: پیشگفتار شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تحت اشراف آیت‌الله‌هاشمی شاهرودی، ص ۱۹-۲۱)

قانون مجازات اسلامی فعلی به لحاظ ساختار و مفاد کاملاً متأثر از فقه امامیه است. از همین رو بحث ضمان که مشتمل بر بسیاری از مباحث مسئولیت مدنی است در

قسمت دیات جای گرفت. اگرچه مسئله مهم در دیات چگونگی تبدیل جنایت به مال بود، اما به خاطر برخی قواعد اختصاصی جنایت بر بدن مواد زیادی به مباحثی از سنخ مسئولیت مدنی اختصاص داده شد.

نگاهی به مواد مرتبط با مسئولیت مدنی در این قانون نشان می‌دهد، این قانون، عامدانه از تفکری در فقه امامیه پیروی می‌کند که قائل به عدم ارائه نظریه عمومی و بیان ملاکات و معیارهای روشن و ضابطه همگانی در باب مسئولیت مدنی است. این تفکر با مبانی خاص خویش بر فروع و مصادیق تمرکز کرده و آگاهانه از بدست آوردن ضابطه و معیار کلی طفره می‌رود. بر این اساس، باب مسئولیت مدنی در قانونی که با چنین مبنایی نگاشته می‌شود مجموعه‌ای از مصادیق و تمایز است؛ امری که خواننده غیر متخصص را به تعجب وامی‌دارد که چرا قانون‌گذار ارائه ضابطه را رها می‌کند و ماده به ماده، مصداق و مثال ارائه می‌دهد و حتی خواننده حقوقدان را به تأمل وامی‌دارد که این شیوه تقنین با اصول قانونگذاری که کلیت و عمومی بودن از جمله آن اصول است در تنافی است.

تصویب قانون مجازات اسلامی، مرزبندی دقیق تمایز بین مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری را که ناشی از تصویب قوانین مجزای مدنی و مجازات عمومی، به سبک منطق طبقه‌بندی حقوق رومی بود را برهم زد؛ زیرا در نظام فقهی تمایزی بین جرم و خطای مدنی از سویی و مسئولیت مدنی و کیفری از سوی دیگر به مفهوم حقوق رومی ژرمنی برقرار نیست. از این رو بخش عمده‌ای از مباحث مسئولیت مدنی، در قانون مجازات اسلامی، به ویژه در باب ایراد خسارت بدنی در ذیل ابواب قصاص و دیات مورد بحث قرار می‌گیرد که امروزه در قوانین مجازات اسلامی در زمره مجازات‌ها به شمار آمده‌اند.

بین قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی در حوزه مسئولیت مدنی سنخیت نسبی برقرار است؛ زیرا نظام فقهی امامیه منبع تغذیه هر دو قانون در خصوص مباحث مرتبط با مسئولیت مدنی بوده است. هرچند که در قانون مدنی طبقه بندی آغازین بر اساس الگوی رومی ژرمنی تعهدات صورت گرفته است و موجبات ضمان قهری به عنوان مصداقی از الزامات خارج از قرارداد ذیل مجموعه تعهدات به عنوان سببی از اسباب تملک قرار گرفته اند. در حالی که اساساً ساختار مسئولیت مدنی در قانون مجازات اسلامی از همان مبدا آغازین طبقه بندی منبعث از ساختار طبقه بندی ابواب فقهی است؛ مسئله ای که این دو قانون را از هم فاصله می اندازد. اما به محض ورود به اصل مقوله مسئولیت مدنی، طبقه بندی ابواب فقهی در خصوص موجبات ضمان در هر دو قانون قابل مشاهده است و هر یک از این قوانین دو حوزه مجزایی از خسارت ها را تحت پوشش قرار می دهند. قانون مدنی به مسئله ایراد خسارات مالی می پردازد و قانون مجازات اسلامی بیشتر به ایراد صدمات بدنی اختصاص دارد. لکن در رابطه بین قانون مسئولیت مدنی و قانون مجازات اسلامی، تعارضات و اختلافات بنیادینی هویدا است که نظام حقوقی را با چالشهای عمیقی مواجه نموده است. عمده دلیل این چالش نیز به منشا اقتباس متفاوت این قوانین باز می گردد. ساختار مسئولیت مدنی در قانون مدنی (صرفاً باب ضمان قهری) و مجازات اسلامی برگرفته از دسته بندی ها و ابواب نظام فقهی است، در حالی که در قانون مسئولیت مدنی از همان ابتدا طراحی ساختاری آن بر اساس منطق ساختاری حقوق رومی ژرمنی پایه گذاری شده است. بر این اساس، در قانون مجازات اسلامی نیز بمانند قانون مدنی، قانون گذار در جستجوی ادله و قواعد ضمان است تا بعد از ایراد صدمات بدنی، در ابتدا ذمه عامل زیان را مشغول گرداند. با این حال، در رابطه با نسبت میان قانون مجازات اسلامی و نظام فقهی در مبحث مسئولیت مدنی باید به نکته دیگری نیز توجه کرد و آن این که در

قانون مجازات، حدود، تعزیرات، قصاص و دیات به عنوان طبقه‌بندی انواع مجازات‌ها آمده و اعمال مشمول هر یک از آنها به عنوان جرم شناخته شده‌اند؛ در حالی که در نظام فقهی تفکیکی میان جرم و خطای مدنی یا تفکیکی میان مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری وجود ندارد. بر اساس منطق ساختاری حقوق رومی ژرمنی که در همه قوانین، اعم از قانون مدنی، قانون مسئولیت مدنی و قانون مجازات اسلامی مهر تایید خورده است، جرم از خطای مدنی و در نتیجه مسئولیت مدنی از کیفری متمایز گشته است. در تصویب قانون مجازات اسلامی که توأم با احصاء جرائم و تعیین مجازات‌ها است، منطق ساختاری تمایز جرم از خطای مدنی و مجازات از جبران خسارت مورد تایید قرار گرفت. بدین ترتیب با دسته‌بندی چهارگانه مجازات‌ها (حدود، تعزیرات، قصاص و دیات) و احصاء جرائم مشمول هر یک از مجازات‌ها بر پایه اصل رومی ژرمنی قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، قانون مجازات اسلامی به همان سبک حقوق رومی ژرمنی قائل به تمایز جرم و مسئولیت کیفری از خطای مدنی و مسئولیت مدنی به جبران خسارت است.<sup>۱</sup>

نکته دیگر درباره تفاوت میان ساختار قانون مجازات اسلامی با نظام فقهی در مبحث مسئولیت مدنی آن است که عناوین مجازات‌هایی بسان دیه و قصاص در نظام فقهی از مقوله حق الناس و موجبات ضمان مطرح شده‌اند و بر خلاف حدود و تعزیرات از عقوبات محسوب نمی‌شوند؛ حال آنکه قصاص و دیات در قانون مجازات اسلامی در کنار حدود و تعزیرات در زمره مجازات‌ها شمرده شده‌اند. با این وجود، هم در لا

۱. چنانکه ماده ۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آورده است که «عفو، همه آثار محکومیت را منتفی می‌کند لکن تأثیری در پرداخت دیه و جبران خسارت زیان دیده ندارد.» و یا ماده ۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌گوید: «هرگاه دعوی ضرر و زیان ابتداء در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوی مذکور قابل طرح در دادگاه کیفری نیست، مگر آنکه مدعی خصوصی پس از اقامه دعوی در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است که در این صورت می‌تواند با استرداد دعوی، به دادگاه کیفری مراجعه کند...»

به لای مواد قوانین مجازات اسلامی و هم در مواد قوانین آیین دادرسی کیفری، جنبه حق الناسی آنها مورد تایید و تاکید قرار گرفته است. برای مثال در مواد ۳۴۸، ۳۵۱ و ۳۵۴ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، بر جنبه حق بودن قصاص و تعلق آن به مجنی علیه یا اولیای دم و جنبه توارث و قابلیت اسقاط و تبدیل آن تاکید شده که همگی موید حق الناس بودن قصاص است. یا در باب دیه در ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی، بر جنبه ضمان و مسئولیت مدنی بودن دیه تصریح شده است که خود موید حق الناس بودن آنها است. افزون بر این، هر دو دسته از مصادیق قصاص و دیه، حق الناس و قابل گذشت و اسقاط به شمار می آیند که خود نمایانگر تمرکز ضمان ناشی از اتلاف نفس بر حق ها و منافع زیان دیده است؛ به نحوی که چنانچه نتیجه هر نوع فعلی اعم از مستقیم یا غیر مستقیم، باعث صدمه به تمامیت جسمانی اشخاص دیگر گردد، ضمان آور خواهد بود؛ اعم از اینکه صدمه ناشی از عمد مرتکب باشد یا غیر عمد یا خطای محض. مطابق ماده ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی، جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصل شده مستند به رفتار مرتکب باشد، اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آنها انجام شود. در این ماده به صراحت رویکرد وضع ضمان بر ذمه بر مبنای ادله شرعی که در نظام فقهی متجلی است در قانون مجازات اسلامی هویدا شده است. مبنای قرار گرفتن ضمان نیز بر خلاف الگوی قانون مسئولیت مدنی، تحقق خطا یا تقصیر نیست، بلکه ضمان به صرف نقض حق و قابلیت انتساب نتیجه (نقض حق) به فعل مرتکب، محقق می شود (بابایی و کشاورز، ۱۳۹۶: ۶۱-۶۲).

#### ۴. ریشه‌های ناهماهنگی در مبانی و رویکردهای حاکم بر قوانین مرتبط با

##### مسئولیت مدنی

افزون بر سه ساختار فوق، مسئولیت‌های مدنی خاص در قوانین مختلف پیش‌بینی شده است. مباحثی که ذیل این چهار ساختار تقنینی (قانون مدنی-قانون مسئولیت مدنی-قانون مجازات اسلامی-قوانین مرتبط با مسئولیت‌های مدنی خاص) مطرح شده است با اینکه ذیل عنوان مسئولیت مدنی قرار می‌گیرد، ولی در مجموع هماهنگی لازم را ندارد. ناهماهنگی موجود در قوانین ریشه در چند امر دارد:

نخست آنکه رویکردهای مختلف به قانون‌گذاری‌های ناهماهنگ در عرصه مسئولیت مدنی انجامیده است. رویکردی که قانون را بستری برای اجرای احکام فقهی می‌داند تحت تاثیر اندیشه‌های فقهی به قانون‌گذاری می‌پردازد و رویکردی که قانون را بستری برای اجرای احکام عرفی، منصفانه و متمدنانه تلقی می‌کند تحت تاثیر سیره متداول میان مردم و اصل انصاف و قوانین موضوعه در کشورهای متمدن به قانون‌گذاری در این حوزه می‌پردازد. در حقوق خارجی مسئولیت مدنی، فقدان عنصر ضمان و قرار گرفتن دین بر ذمه که یک حکم وضعی در ادبیات فقهی محسوب می‌شود و تمرکز صرف بر حکم تکلیفی، خود به عامل مهمی در تفاوت نظام حقوقی اسلام با نظام حقوقی غرب در زمینه مسئولیت مدنی منجر می‌گردد. بی‌توجهی به این موضوع، زمینه‌ساز خطاهای فاحش در نظریات حقوقی مسئولیت مدنی می‌گردد. از جمله اینکه بدون توجه به نقش حکم وضعی ضمان چنین اندیشه شود که پذیرش نظریه مسئولیت مدنی (که در نظام حقوقی رومی ژرمنی اصولاً مبتنی بر نظریه تعهدات است و صرفاً از حکم تکلیفی سخن به میان آمده است) می‌تواند مشکلات حوزه مسئولیت غیر قراردادی را مرتفع سازد. (قائم‌مقامی، ۱۳۸۵، صص ۳۶-۵۳) این در حالی است که اصولاً نمی‌توان بدون تصور حکم وضعی، حکم بر وجوب فراغ ذمه و پرداخت خسارت داد.

دومین دلیلی که باعث ناهماهنگی در قوانین راجع به مسئولیت مدنی شده است، فقدان باب مشخصی در فقه که به مباحث این حوزه اختصاص داشته باشد، می باشد که پژوهشگر را وامی دارد تا از ابواب مختلف فقهی به جمع آوری اسناد و مدارک پردازد و چه بسا رویکرد حاکم بر این ابواب متفاوت باشد. برای مثال مباحثی از مسئولیت مدنی که از ابواب عبادات بسان طهارت و زکات استخراج می شود بمانند رویکرد حاکم بر این ابواب با نگاه تعبدی به این مباحث پرداخته<sup>۱</sup> و در مقابل، مباحثی از مسئولیت مدنی که از ابواب معاملات استخراج می شود بمانند رویکرد غالب بر این ابواب با نگاه عقلایی به این احکام می پردازد<sup>۲</sup>. در این میان، میزان تتبع، تدقیق و صلاحیت های علمی پژوهشگر عرصه مسئولیت مدنی نیز می تواند به یکی از عوامل پیچیدگی و ناهماهنگی میان مسائل مربوط به مسئولیت مدنی تبدیل گردد. چرا که نیاز به ورزیدگی و ویژه دانی پژوهشگر در این عرصه از دانش حقوق، بسی فراتر از سایر ابواب فقهی است؛ چرا که اگر در سایر ابواب فقهی، پژوهشگر با تبحر بر یک باب فقهی بتواند به احکام، ادله، ساختار و مبانی فقهی آن مبحث پی ببرد، اما در مباحث مسئولیت مدنی پژوهشگر باید در بسیاری از ابواب فقهی تبحر و تخصص داشته تا بتواند هر حکم را بسان پاره ای از بابتی استخراج کند. این گونه است که پژوهش در عرصه مسئولیت مدنی به زمانی فربه تر و پختگی علمی و توان پژوهشی فراتری محتاج است.

---

۱. از جمله در مورد حکم تلف مالی که به آن زکات تعلق گرفته است مشهور فقها چون زکات را متعلق به عین مال می دانند و نه به ذمه قائل شده اند که اگر تلف بدون تفریط زکات دهنده رخ دهد، اگر وی توانایی ادای آن را ندارد ضامن نیست اما اگر توانایی پرداخت دارد ضامن است چه تفریط کرده باشد و چه تفریط نکرده باشد.

(رک: نراقی، مستند الشیعه، ج ۹، ص ۲۱۶، نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۱۳۸)

۲. از جمله در تلف مالی که به امانت در اختیار امین قرار گرفته شده است فقها قائلند که چنانچه آن مال به خودی خود و یا توسط آفت سماوی تلف شود و تعدی و تفریطی از جانب امین صورت نگرفته باشد در این صورت امین ضامن نیست (نجفی، جواهر، ج ۲۵، ص ۱۷۴)

سومین دلیلی که می‌تواند یکی از عوامل ناهماهنگی در تقنین مسئولیت مدنی مطرح گردد بکارگیری از مبانی مختلف فقهی است. مبنایی که در پی ارائه ضابطه، ملاک و معیار مشخصی است به نتایجی همسان با مبنایی که در صدد عدول از ارائه ضابطه است نمی‌انجامد. در نتیجه تقنینی که از دو مبنای فوق پیروی کند به موادی ناهماهنگ و اسلوبی ناهمسان منجر می‌شود. از این رو مطالعات نظری و بررسی مبانی و اصول مسئولیت مدنی با یک رویکرد واحد، و با محور قرار دادن یک مبنای واحد از ضروریات لازم برای تقنین هماهنگ و همسو در این عرصه از دانش حقوق است.

### نتیجه‌گیری

بررسی ساختار حقوق مسئولیت مدنی در ایران نشان می‌دهد که هم‌زمانی و تعارض سه منبع قانونی - قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی و قانون مسئولیت مدنی - به شکل‌گیری دو رویکرد بنیاداً متفاوت در طبقه‌بندی و مبانی مسئولیت انجامیده است. از یک سو، قانون مسئولیت مدنی با الهام از نظام رومی - ژرمنی، مسئولیت را بر محور «تقصیر» و تمایز میان جرم مدنی و شبه جرم سامان می‌دهد و در کنار آن، تقسیم‌بندی تعهدات به «قراردادی» و «غیرقراردادی» و پذیرش شبه عقد در قانون مدنی نیز نشانه‌هایی از تأثیر این ساختار را در حقوق ایران تقویت می‌کند. همچنین، ساختار جرم و مجازات در قانون مجازات اسلامی و اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها نیز با الگوی رومی-ژرمنی هم‌خوانی‌هایی دارد.

در مقابل، قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی با پذیرش موجبات ضمان - غصب، اتلاف، تسبیب و استیفاء در قانون مدنی و جنایات در قانون مجازات اسلامی - بر مبنای فقه امامیه استوارند؛ مبنایی که در آن «نقض حق» و تحقق یکی از اسباب شرعی ضمان، فارغ از وجود یا عدم وجود تقصیر، نقطه آغاز مسئولیت مدنی محسوب

می‌شود. در این چارچوب، تقصیر نقش محوری ندارد و مسئولیت بر پایه «جبران خسارت» و «ضمان شرعی» شکل می‌گیرد.

این دوگانگی مفهومی و ساختاری، به دلیل ناسازگاری بنیادین میان مبنای تقصیر در قانون مسئولیت مدنی و مبنای ضمان در قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی، امکان جمع و تلفیق عملی ندارد. بنابراین، تداوم وضعیت موجود ناگزیر به صدور آرای متعارض، بی‌ثباتی رویه قضایی و اختلال در احقاق حقوق اصحاب دعوا می‌انجامد. بر این اساس، دو راهکار قابل تصور است: نخست، پذیرش نسخ ضمنی قانون مسئولیت مدنی با توجه به تصویب قانون مجازات اسلامی به‌عنوان اراده متأخر قانون‌گذار؛ و دوم، که راهکار مطلوب‌تر است، تدوین «قانون جامع مسئولیت مدنی» با رویکردی مبتنی بر فقه حکومتی و متناسب با نیازهای نوپدید اجتماعی و اقتصادی. در سال‌های اخیر، تلاش‌های قابل توجهی برای تعمیق مبانی فقهی مسئولیت مدنی و رفع تعارض‌های موجود در آثار پژوهشی پس از انقلاب مشاهده می‌شود. این روند می‌تواند گامی مؤثر در جهت ایجاد انسجام تقنینی و بازسازی ساختار مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران باشد.

## منابع.

۱. امامی، مسعود، حجت‌الله فتحی، و مزروعی. شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. تحت اشراف آیت‌الله هاشمی شاهرودی. قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۹.
۲. بابایی، ایرج، و اسماعیل کشاورز. «مفهوم خطا و نقش آن در ساختار طبقه‌بندی مسئولیت مدنی: مقایسه حقوق رومی، کامن‌لا و ایران». دوفصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۹۶، ۴۷-۶۶.
۳. بادینی، محمد. فلسفه مسئولیت مدنی. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
۴. بهرامی‌احمدی، حمید. کلیات عقود و قراردادها. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۱.
۵. بیگدلی، عطاالله. تفاوت مبانی نظریه تعهدات در دو نظام رومی-ژرمنی و فقه امامیه و آثار آن در حقوق قراردادهای ایران و فرانسه. رساله دکتری، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ۱۳۹۲.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش، ۱۳۷۸.
۷. حسینی مراغی، میرعبدالفتاح. العناوین. جلد ۲. قم: جامعه المدرسین، ۱۴۱۷ق.
۸. حکمت‌نیا، محمود. «مسئولیت مدنی در فقه امامیه». قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۹. خمینی، سیدروح‌الله. کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
۱۰. عاقلی، باقر. روزشمار تاریخ ایران. تهران: نشر گفتار، ۱۳۶۹.
۱۱. قائم‌مقامی، عبدالمجید. حقوق تعهدات. تهران: میزان، ۱۳۸۵.
۱۲. قنواتی، جلیل. «نظریه تعهد یا نظریه تملیک». مجله تحقیقات حقوقی ۲۴، شماره ۹۳ (۱۳۹۹): ۲۱۵-۲۴۶.
۱۳. قنواتی، جلیل. «ضمان قهری یا مسئولیت مدنی». مجله تحقیقات حقوقی ۲۷ (بهار ۱۴۰۳): ۵۷-۷۸.
۱۴. کاتوزیان، ناصر. وقایع حقوقی. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷.
۱۵. نائینی، میرزا محمدحسین. منیة الطالب فی شرح المکاسب. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۸ق.
۱۶. نجفی، محمدحسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. چاپ هفتم. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۱۷. نراقی، احمد. عوائد الأيام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.

۱۸. وحدتی شبیری، سیدحسن. «مبانی مسئولیت مدنی قراردادی». قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۹. همدانی، آغارضا. مصباح الفقیه. قم: الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۲۰. هوشمند فیروزآبادی، حسین. مسئولیت مدنی در قرآن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۰.